



«به نام خالق هستی»

نام دلنوشته: اقیانوس آبی

نام نویسنده: آیلار آریا

ژانر: عاشقانه، تراژدی



The book cover features a woman with long brown hair, seen from behind, standing on a rocky shore and looking out at a vast, dark blue ocean. The sky is a deep, dark blue, and the overall mood is serene and contemplative. The title 'اقیانوس آبی' is written in large, stylized white and blue calligraphic letters. A blue banner in the top right corner contains the author's name and the title. A blue banner at the bottom contains the publisher's name and the website address. A decorative geometric pattern is visible in the bottom right corner.

اقیانوس آبی  
به قلم: aylar#xk  
طراح: دختر بارونی

انجمن رمان فور  
[www.novelfor.ir](http://www.novelfor.ir)

نام دنبوشته: اقیانوس آبی

نویسنده: آیلار آریا

مقدمه:

نگاهت مانند دریایی خروشان دلم را لرزاند!

چشمانت مانند اقیانوسی آبی در قلبم جای گرفت!

کجایی که بدانی این قلب فقط برای اقیانوس چشمانت می‌تپد؟

کجایی که ببینی این دل دیگر مثل سابق نمی‌ترسد!

\*\*\*

برای اولین بار نگاهت به چشمانم افتاد!

درون اقیانوسی غرق شدم

که پایانش دلم را لرزاند!

\*\*\*

یادت نیاوردم آن روزهایی که مانند

پرنده‌ای در خیال‌هایم بالای اقیانوست پرواز می‌کردم!

یادت نیاوردم آن روزهایی که با دیدن تو

درون آبی چشمانت غرق می‌شدم!

\*\*\*

چشمانت در روزهای اول مانند زندگی، دروغی اما زیبا بود!

چشمانم در روزهای آخر مانند تحمل، حقیقتی دردناک بود!

\*\*\*

با همدیگر قدم به قدم راه می رفتیم

بدون اینکه متوجه شویم در آخر جدایی بیش نیست!

\*\*\*

این نامه را برای تو می نویسم

می دانم هیچ وقت به دستت نمی رسد...

اما این را بدان

این دل دیگر مثل سابق نمی ترسد!

\*\*\*

مثل سابق از نگاه مردم نمی ترسم!

مثل سابق از پدر و مادرم نمی ترسم!

این دل دیگر هیچ چیز برایش مهم نیست

فقط وجود تو یک زمانی دلم را می لرزاند

که توهم دیگر نیستی!

\*\*\*

یادت نیاوردم روزهایی را که با گرمای چشمانت گرم می‌شدم و با سرمای نگاهت یخ می‌بستم!

یادت نیاوردم آن روز آخر را که تا صبح گریه می‌کردم برای یک لحظه دیدن دوباره‌ات!

\*\*\*

در دلم ماند شنیدن دو کلمه از تو  
دو کلمه که اگر یک‌بار او را به من می‌گفتی  
زندگی‌ام را تقدیمت می‌کردم!

\*\*\*

برای هیچ‌کس مهم نیستم!  
چون هیچ‌کس مرا نمی‌خواهد!  
هیچ‌کس مانند تو نبود!  
در نگاه همه دو رنگی دیده میشد!

زمانی که بهت نیاز داشتند با مهربانی رفتار می‌کردند!

زمانی که برایشان سودی نداشتی به عنوان یک زباله به بیرون پرتابت می‌کردند!

\*\*\*

من همانیم که یک زمانی او را دوست داشتی

خودت نمی‌گفتی، نگاهت نشانم می‌داد!

اما چه شد این دوست داشتن‌ها؟

آخرش یک کلمه به چشم می خورد

(پایان)

\*\*\*

من را تنها گذاشتی

اما بدان

من دیگر آن دختر ساده‌ی قبل نیستم

به کسی دل نمی بندم

چون توان شکست دوباره را ندارم!

\*\*\*

برای اینکه صدای شکستن دلم شنیده نشود

با صدایی بلند می خندم!

\*\*\*

جایی که تو قدم گذاشتی

حتما برای شروع زندگی دوباره و خوشبختی است!

زندگی‌ات را ترک کردی

من را نابود کردی!



\*\*\*

لبانت می خندد؟

چشمانت خوشحال است؟

لحظاتی که از کنارت راه می رفتم

برقی در نگاهت مشخص بود!

زندگیات زیباست؟

بدون من!

\*\*\*

من مانند یک اضافی در زندگیات جای داشتم!

لیاقت تو را نداشتم!

حداقل کلماتی که از مردم می شنوم این است

(همان بهتر از هم جدا شدند)

قلبم می ایستد

اما سکوت اختیار می کنم!

\*\*\*

دختری که نابود شد

مُرد!



زندگی اش تباه شد

دیگر مثل سابق نمی شود!

\*\*\*

من دیگر مثل سابق نمی شوم!

دیگر مثل سابق بی توجه دستی را نمی گیرم!

دیگر مثل سابق قلبم نمی لرزد!

دیگر مثل سابق نابود نمی شوم!

\*\*\*

نیمی از من تظاهر است!

تنها چیزی که در من واقعی است...

گریه های شبانه است!

ناراحتی روزانه است!

اقیانوس چشمانت را دوباره با قهوه ای چشمانم حل کن!

تو دیگر نیستی!

\*\*\*

می دانستی زندگی ام چه شکلی است؟

شده ام یک تو سری خور!





دختری اضافه!

انگار فقط تو بودی که مرا می خواستی!

فقط تو بودی که مرا با خود بیرون می بردی!

آرزویی که همیشه در دلم ماند این است

(من نیستم همانی که بودم... مردم نیستند همانی که تظاهر می کردند!)

\*\*\*

این نامه را فقط برای تو می نویسم

یادت باشد

(اقیانوسی چشمانت دلم را لرزاند...)

اقیانوس چشمانت زندگی ام را ساخت!

اقیانوس چشمانت مرا زنده کرد!

تولدت مبارک!

\*\*\*

کیپست: Ghazal.M

جهت دانلود رمان های بیشتر به انجمن رمان فور <https://forum.novelfor.ir/>

مراجعه فرمایید.

